

کیمیاگری یا فیلسوف (۴)

کیمیاگری، پدر علم شیمی

کیمیا، پدر و پیشاهنگ علم شیمی جدید، فن ساختن طلا و نقره و تبدیل فلزات کم ارزش به فلزات گرانبهاست. این عقیده را که تبدیل اجسام و تغییر ماهیت فلزات به یکدیگر بر پایه‌ای فلسفی استوار است و این که همه‌ی اجسام اصل و منشا یکسانی دارند و تغییر ویژگی‌ها و خواص آن‌ها به خاطر عوارضی است که بر این اصل نخستین یا ماده آغازین روی داده و آن را به صورت‌های مختلفی در جهان جسمانی درآورده است، بین دانشمندان کهن مشاهده می‌کنیم. پس اگر بتوان با انجام کارهایی آن عوارض و کیفیت‌های ثانوی را از اصل اولیه دور ساخت، می‌توان با افزودن کیفیت‌ها و عوارض تازه، هر ماده‌ی دلخواهی را به دست آورد. ابونصر فارابی در رساله‌ای ذکر کرده است، اجسام گوناگونی واحدی هستند و اختلاف میان آن‌ها در تری و خشکی و نرمی و سختی، رنگ‌ها و اوزان آن‌هاست و می‌گوید، با از میان بردن کیفیت‌های عارضی، می‌توان اجسام را به یکدیگر مبدل کرد. جیوه اصل و عنصر فلزات است. اگر بتوانیم جیوه‌ی خالص به دست آوریم و آن را با روح گوگرد یا کبریت احمر (که در طبیعت به حال خالص وجود ندارد) ترکیب کنیم، طلا به دست می‌آید. جیوه خالص که از اجزای زمینی و هوایی تصفیه شده است جیوه‌ی فلاسفه یا روح جیوه خوانده می‌شود و کبریت احمر که از اجزای ارضی و هوایی تصفیه شده است، همان اکسیر یا سنگ فلاسفه است.

در دوران قدیم فلسفه‌ی رواقی و فلسفه‌ی هرمسی که تلفیقی از عقاید رواقیون و فلسفه‌های شرقی و نوپناغوری بود، نظریه‌ی کیمیاگران را که مبتنی بر قلب ماهیت اجسام و تبدیل فلزات پست به فلزات گرانبه‌ا بود، تأیید می‌کرد. قداما، کانی‌ها را به سنگ‌ها و فلزات (ذوب شدنی‌ها) تقسیم می‌کردند و عقیده داشتند کانی‌ها یا سست گوهر و سست ترکیب، یا سخت گوهر و شدیدالترکیب هستند.

ابن سینا، پس از آن که به تفصیل کانی‌ها را توضیح می‌دهد، ادعای کیمیاگران را درباره‌ی تبدیل فلزات، بیهوده می‌داند و می‌گوید آن چه از دست کیمیاگران برمی‌آید، رنگ کردن فلزات



یک طرح مصری از
سلسله‌ی بیست و یکم
(حدود ۱۰۰۰ پیش از میلاد)
از پاپیروس‌های مصری که
نحوت را نشان می‌دهد که
در برابر **Re** خورشید -
خدا ایستاده است و نماد
آفرینش را بر روی سر خود
دارد. در سراسر تاریخ
کیمیاگری، نحوت به‌عنوان
هرمس تلقی می‌شده است.

است به‌نحوی که دارای جلای طلا و نقره بشوند، ولی نمی‌توانند خود طلا یا نقره را از راه تبدیل به‌دست آورند.

هم جهان‌شناسی بطلمیوسی و هم علم احکام نجوم، برای تایید، مورد استفاده قرار گرفت و اعتقاد حاصل شد که فلزات هفت گانه - طلا، نقره، مس، جیوه، قلع، سرب و آهن - در زمین، نتیجه‌ی عمل و تاثیرات سیارات هفت‌گانه است. این‌گونه اعتقاد با رازگونگی توأم شد و کیمیاگری علاوه بر جنبه‌ی عملی و مادی جنبه‌ی پنهانی و معنوی یافت و کیمیای روحانی یا تصفیه‌ی نفس با کیمیای جسمانی یا تصفیه‌ی فلزات پست، ارتباط یافت. از طرف دیگر، برخی آن را با سحر و جادو توأم دانستند و از آن جا، کتاب‌های مربوط به کیمیاگری پر از رمز و استعاره شد و کم‌تر کسی موفق به شناخت مفاهیم آن می‌شد. در اصطلاح کیمیاگران، جیوه و گوگرد و زرنيخ و نوشادر روح هستند و فلزات دیگر جسم به‌شمار می‌روند و به‌خاطر حرارت به‌صورت

جسم درآمده‌اند و اگر دوباره در حرارت شدید قرار بگیرند، به ارواح تبدیل می‌شوند، و از این جا در کتاب‌های کیمیاگران، بخش عملی با بخش اخلاقی فلسفی درهم می‌آمیزد و شناخت آن را مشکل می‌سازد.

در کیمیاگری، طلا را با علامت آفتاب، نقره را با علامت ماه، جیوه را با علامت عطارد، مس را با علامت زهره، آهن را با علامت مریخ، قلع را با علامت مشتری و سرب را با علامت زحل نشان می‌دادند. در کتاب‌ها فن کیمیا را به هرمس Hermes مصری نسبت داده‌اند و گفته شده است فرشتگان مطرود آن را با سحر و جادو به مردم آموخته‌اند و برخی هم آن را به پیامبران قوم اسراییل نسبت می‌دهند.

آثار یافت شده‌ی مربوط به کیمیاگری که در موزه‌ی لیدن، از شهرهای هلند، روی پاپیروس است که از گوری در تیوه^۱ پیدا شد و مربوط به حدود سده‌ی سوم میلادی است، ولی مطالب آن بسیار کهن‌تر است. اصل کیمیاگری را می‌توان به نخستین سده‌های میلادی و به اسکندریه منسوب دانست.

دانش کیمیاگری سرانجام از راه زبان سریانی، به اسلام انتقال یافت. محمدبن زکریای رازی یا طیب مشهور، از جمله معتقدان به کیمیا بوده است و این ندیم از قول او نقل می‌کند، انسان زمانی سزاوار نام فیلسوف می‌شود که به دانش کیمیا دست یابد (از کتب مشهور رازی در صنعت کیمیا کتاب الاسرار و کتاب سرالاسرار است).

کیمیاگری از راه اندلس به اروپا رفت. نخستین کسی از اروپاییان که این فن را از مسلمانان آموخت ژریر بود که بعدها به مقام پاپی رسید و به سیلوستر معروف شد. از دانشمندان سده‌ی شانزدهم که کیمیاگری را با شیمی جدید پیوند داد، پاراسلوس (Parasulus) بود و پس از او کیمیاگری جای خود را به علوم واقعی همچون فیزیک و شیمی داد. در سده‌ی هجدهم دکتر پرایس گیلفردی (Präyse gilfradi)، مدعی ساختن طلا و نقره از جیوه شد و چون اعضای انجمن سلطنتی انگلستان او را تحت فشار گذاشتند تا در حضور خود آن‌ها این عمل را انجام بدهد، در سال ۱۷۸۲ در گیلفرد در حضور سه تن از اعضای انجمن سلطنتی خودکشی کرد و به این ترتیب افسانه‌ی قلب اجسام کم بها به طلا و نقره پایان یافت، در حالی که پایه‌های علم شیمی بنا نهاده شد.

۱. tiva یا تیبیه، واژه‌ی مصری قدیم نت net، در کتاب مقدس نو NO، در ماخذ یونانی قدیم تبای tebay و بعد دیوسپولیس diospolis، تب teb شهر قدیم مصر، واقع در مصر علیا که ویرانه‌هایش کنار رود نیل نزدیک قاهره و آبادی‌های کنونی کرنک و آلقصر است.